

اعتبار اظهار نظر کارشناسی پزشکی قانونی در اثبات جرم از منظر فقه امامیه

مصطفی اربابی مجاز^۱

چکیده

امروزه پیشرفت علوم و فناوری آثار خود را در تمام زمینه‌ها از جمله وسایل و ابزار کشف و اثبات جرایم آشکار ساخته، به گونه‌ای که در عصری که آن را عصر «ادله علمی» می‌نامند، حتی ادله سنتی مانند شهادت و اقرار در مواردی با کمک ادله علمی جدید سنجیده می‌شوند. این ادله طیف گسترده‌ای از اقدامات و آزمایشات و معاینات علمی و فنی را در بر می‌گیرند که قسمت اعظمی از موضوعات مورد مطالعه در جرم‌یابی را پزشکی قانونی بر عهده دارد.

از دیگر سو با توجه به استفاده مجرمین از روش‌های علمی و فنی در ارتکاب جرایم و ناکارآمد بودن استفاده صرف از ادله اثبات سنتی در جهت مبارزه با آنها، باید دستگاه قضایی را به تجهیز شدن به انواع شیوه‌های علمی مبارزه با بزهکاری و از جمله به استفاده از راه‌های علمی اثبات جرم مجاز بدانیم. لذا ضرورت دارد تا اعتبار این ادله، بخصوص ادله اثبات ناشی از آزمایشات دقیق پزشکی قانونی را از منظر فقه امامیه بررسی نماییم. در این نوشتار، اعتبار این ادله در پرتو تبیین مفهوم و حدود و ثغور علم قاضی، بررسی گشته و به نظر می‌رسد در صورتی که ادله ناشی از کارشناسی پزشکی قانونی تأمین‌کننده علم عادی و یقین عرفی برای قاضی گردند، با توجه به اعتبار علم قاضی در حق الله و حق الناس طبق نظر مشهور فقهای امامیه، می‌توان قائل به اعتبار این ادله در فقه امامیه و به تبع در حقوق کیفری بود. ولی با توجه به سیاست‌های کاملاً متمایز نظام حقوق کیفری اسلام در جرایم مستوجب حق الله در مقایسه با جرایم مستوجب حق الناس، و به خصوص جریان اصول ستر و جرم پوشی در جرایم مستوجب حق الله محض،

۱- دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران
Email: Mostafa.arbabi65@gmail.com

اعتبار این ادله در این نوع جرایم با محدودیت مواجه است و نه در جهت اثبات که صرفاً در جهت برائت متهم می‌توان از این نوع ادله بهره برد.

واژگان کلیدی:

ادله اثبات جرم، کارشناسی‌های پزشکی قانونی، قرائن اثبات جرم، اماره، علم

قاضی

مقدمه

در سایه‌ی پیشرفت علوم و تکنولوژی و تکامل صنایع و پیشرفت جوامع، امکانات و توانایی‌های فراوانی در ابعاد مختلف زندگی در اختیار بشر قرار گرفته است که عقل و منطق ایجاب می‌کند که بشر به شکل معقول و منطقی از آن‌ها استفاده کرده و به تکامل و رفاه و آسایش برسد. یکی از این توانایی‌ها «ادله‌ی علمی یا راه‌های علمی اثبات جرم» در حوزه‌ی جرم‌یابی و علوم کیفری است. در یکی دو قرن اخیر در اثر پیشرفت علوم و تکنولوژی، امکاناتی همچون «آزمایشات دقیق پزشکی» ایجاد شده است که از آن می‌توان در حوزه جرم‌یابی و فرآیند رسیدگی و اثبات جرم استفاده کرد که این قبیل ابزارها در گذشته و بالاخص در صدر اسلام وجود نداشته تا درخور شأن حکمی از طرف شارع مقدس نسبت به جواز استفاده و عدم آن داشته باشد و چون از این دستاوردها در محاکم داخلی به وفور استفاده می‌شود خواسته و ناخواسته این دغدغه را ایجاد می‌کند که آیا از نظر فقه امامیه استفاده از آن‌ها و در نتیجه محکوم کردن عده‌ای به مجازات سنگین مجاز است یا نه؟ و اگر مجاز است استفاده از آن‌ها منافاتی با اصول جزائی نظیر دفع مجازات به شبهه، اصل برائت، اصل جرم‌پوشی در جرایم مستوجب حق الله و ... ندارد؟ در این مقاله موضوع یادشده از منظر فقه امامیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اساساً دلیل در لغت به معنی راهنما و نشانه است و در اصطلاح حقوقی به هر نوع وسیله‌ی اثبات یا موضوع تصدیقی می‌گویند که به صورت قانونی در دعوایی که نزد یکی از مراجع قضایی مطرح است بکار می‌رود تا با اقدام طرفین دعوا و به وسیله‌ی شهود، مدارک، اسناد اعیان خارجی و غیره در ذهن قاضی نسبت به آنچه استنباط می‌کند، ایجاد باور و اعتقاد نماید.

برخی معتقدند «دلیل عبارت از هر نوع وسیله‌ای است که وجود یا عدم چیزی و یا صحت و یا سقم ادعایی را ثابت نماید». (آشوری، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۲۳۴) از این رو ادله حصری نیستند و به این جهت قانون آیین دادرسی کیفری به ذکر مصادیقی از آن‌ها پرداخته است نه همه آن‌ها. دلیل در مفهوم عام، هر چیزی است که ما را به کشف مجهول کمک می‌کند. برخی نیز بر آن است که هرچه خاصیت راهنمایی داشته باشد، در نظر فقها دلیل است. (لنگرودی، بی تا، ص ۱۰۷) در اصطلاح آیین دادرسی کیفری دلیل وسیله‌ای است که به موجب امر مقنن و یا اعتقاد و ایمان باطنی قاضی دلالت بر تحقق جرم از ناحیه‌ی فرد و یا اشخاص معینی دارد.

علمای حقوق، با عنایت به ماهیت و ارزش اثباتی دلایل، آن‌ها را به اقسام مختلفی تقسیم نموده‌اند. (امامی، بی تا، ج ۶، ص ۱۲) شهادت، اقرار و قسم که با اعتقاد و ایمان درونی شخص ملازمه دارند و قابل لمس و مشاهده نیستند، از دلایل نظری محسوب می‌شوند. این نوع از دلایل حتماً باید از طریق انسان اظهار شوند تا قدرت اثباتی داشته باشند، یعنی علم و تکنولوژی برای شهادت یا قسم اعتباری ندارند. البته به تجربه ثابت شده است که این دسته از دلایل بعضاً تحت تأثیر انگیزه‌های مالی، محرک‌های عاطفی و روانی، تهدید و ارعاب، تطمیع، فراموشی، کینه، حسد، کم هوشی، بیماری و غیره قرار گرفته و واقعیت‌ها روشن نشده است.^۱ بارها در عمل مشاهده شده اشخاصی به یکی از علل فوق بر خلاف واقع به ارتکاب جرمی اعتراف یا در مورد آن شهادت داده یا قسم خورده‌اند و یا بر عکس، با وجود ارتکاب جرم، به علت عدم اعتراف مرتکب یا سکوت و کتمان شهود، کشف آن مقدور نشده است. (نجابتی، ۱۳۸۷، ص ۱۰)

دسته دوم دلایل، دلایل مادی است. همانند آثار انگشت، خون، اسپرم، مو، اسلحه، گلوله، پوکه، خط، امضا و غیره. اینگونه دلایل قابل لمس، مشاهده، ارائه و استناد بوده و رد و انکار آن‌ها بعضاً غیر ممکن است. (نجابتی، ۱۳۸۷، ص ۸) در واقع

می‌توان گفت علائم مادی واقعه که به مثابه شهادت صامت اشیاء محسوب می‌شوند از متقن‌ترین وسایل تشخیص هستند.

در اثر پیشرفت‌های علمی، به ویژه علوم انسانی و همچنین تحت تأثیر عقاید مکتب تحقیقی، به تدریج برای جمع‌آوری دلایل و کشف حقیقت، استفاده از وسایل علمی به جای روش‌های قدیمی تحصیل دلیل نشست. (گلدوزیان، ۱۳۷۴، ص ۸) به عبارتی بهتر، در دوران معاصر، شناخت و اقناع وجدان قاضی از ویژگی علمی، تجربی، محسوس و مادی برخوردار بوده، میزان ذهن‌گرایی و تردید و تخیل در آن به مراتب کمتر است.

بی‌تردید پیدایش علوم و فنون جدید در طرز کار دادگستری بی‌تأثیر نیست. هنگامی که بزهکاران در ارتکاب جرائم از شیوه‌های جدید علمی استفاده می‌نمایند، عدالت نیز برای مبارزه با آنها ناچار است با سلاحی متناسب مجهز گردد و از فنون علمی بهره‌گیرد. بارزترین نمونه‌ای که امروزه می‌توان از کاربرد فنون و روش‌های علمی در سیستم قضایی نام برد باید به روش‌های علمی اتخاذ شده در کارشناسی‌های پزشکی قانونی اشاره کرد. در این نوشتار، سعی گردیده است اعتبار ادله ناشی از آزمایشات پزشکی قانونی و محدوده و قلمرو اعتبار این ادله، از منظر فقه امامیه تبیین و بررسی گردد.

چیستی ادله اثبات علمی

قبل از آن که اعتبار ادله اثبات جرم ناشی از کارشناسی پزشکی قانونی را از منظر فقه امامیه بررسی نماییم لازم است تا به تعریف و گستره‌ای از ادله اثبات علمی به طور کلی اشاره نموده و سپس به مهم‌ترین مصداق آن یعنی کارشناسی پزشکی قانونی به طور مختصر بپردازیم.

تعریف ادله اثبات علمی

پیشرفت علوم و فن آوری آثار خود را در تمام زمینه‌ها از جمله وسایل و ابزار کشف و اثبات جرایم آشکار ساخته، به گونه‌ای که در عصری که آن را عصر «ادله علمی» می‌نامند، حتی ادله سنتی مانند شهادت و اقرار در مواردی با کمک ادله علمی جدید سنجیده می‌شوند. به نظر می‌رسد این چنین بتوان ادله علمی را تعریف کرد که ادله اثبات علمی عبارتست از تجربیات علمی از قبیل ادله فیزیکی، شیمیایی و مکانیکی، و ادله حاصل از مطالعات انسان‌شناسی، روانشناسی، جرم‌شناسی و علوم پزشکی و آزمایشگاهی و سایر دستاوردهای علوم و تکنولوژی‌های نوین بشر، که در فرآیند جرم‌یابی، اثبات جرم و رسیدگی‌های کیفری مورد استفاده قرار می‌گیرد. (تدین، ۱۳۸۸، ص ۳۷۴)

گستره ادله اثبات علمی

همان‌گونه که پیش از بیان شد، امروزه در عرصه دادرسی‌های کیفری، با توجه به پیشرفت‌های شگفت‌آور علوم و فنون بشری، به ویژه در حیطه کشف علمی جرایم، تحولات و دگرگونی‌های زیادی رخ داده است و کاربرد وسایل و امکانات علمی و آزمایشگاهی برای کشف حقیقت و جمع‌آوری ادله اثبات به جای استفاده از روش‌های قدیمی متداول شده است. امروزه این ادله که طیف گسترده‌ای از اقدامات و آزمایشات و معاینات علمی و فنی را در بر می‌گیرند، بسیار متنوع و گوناگون هستند به نحوی که ارائه فهرستی کامل و جامع از آنها کاری بسیار مشکل است.

مهمترین مصادیقی که بتوان تحت ادله علمی اشاره کرد، آزمایشات علمی و روش‌های تخصصی‌ای را شامل می‌شود که در دو دسته عمده می‌توان دسته بندی نمود که اصطلاحاً تحت دو عنوان:

کارشناسی‌های پلیس علمی ۲- کارشناسی‌های پزشکی قانونی

که با توجه به موضوع این نوشتار به ابعادی موجز از کارشناسی‌های پزشکی قانونی به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق ادله اثبات علمی اشاره‌ای می‌نماییم. البته لازم به ذکر است که با توجه به این که تلاش ما در این نوشتار متمرکز بر تبیین اعتبار ادله اثبات جرم ناشی از اظهار نظر پزشکی قانونی از منظر فقه امامیه است ناگزیریم با توجه به ضرورت حفظ اختصار در این نوشتار، قسمت عمده‌ی بحث را به استدلال‌ات فقهی اختصاص دهیم و از بسط و تفصیل مطالب درباره اقدامات متنوع و گسترده‌ای که با بهره از علم پزشکی در جهت اثبات جرم صورت می‌گیرد خودداری نماییم.

کارشناسی پزشکی قانونی

کارشناسی پزشکی قانونی، نقش بسیار مهمی در چگونگی قضاوت بر عهده دارد زیرا هر روز دعاوی جزایی بسیاری در مراجع قضایی مطرح رسیدگی است و نیاز به اظهار نظر کارشناس پزشکی قانونی و اگر این کارشناسی به طور صحیح صورت نگیرد، قطعاً دعوی کیفری از مسیر خود منحرف شده و نتیجه نادرستی به دنبال خواهد داشت. به بیان ساده‌تر پزشکی قانونی چراغی تابناک فرا راه قضات است تا با استفاده از آن، از پیچ و خم‌ها، فرازها و نشیب‌ها و تنگناها بگذرند و به مقصد خود که رسیدن به اطلاعات دقیق و صحیح و کامل برای تعیین سرنوشت متهم است برسند.

رویه قضایی کشورمان اهمیت ویژه‌ای به معاینات پزشکی قانونی می‌دهد، به طوری که قاضی با ملاحظه نظر پزشکی قانونی درباره نوع ضرب و جرح و عمق و ضایعات ناشی از آن حکم به پرداخت دیه یا سایر خسارات را صادر می‌کند. در این موارد، گواهی‌های صادر شده اثری قاطع در نحوه صدور احکام دارند. لذا وجود پزشکان قانونی کار آزموده برای بررسی صدمات و آسیب‌های گوناگون و تعیین علت مرگ، معاینات اختصاصی روان پزشکی، دندان پزشکی، رادیولوژی و

معاینات خاص در مردان و زنان و خلاصه اظهار نظر کارشناسی دقیق، مستند، صریح، علمی و با بیان قابل استفاده برای مراجع قضایی یکی از وظایف خطیر و منحصر به فرد پزشکان قانونی است که با آموزش‌های خاص، تجربه‌های کاری و بهره‌گیری از ابزارها و تجهیزات علمی روز در مراکز پزشکی قانونی سراسر کشور صورت می‌پذیرد. (گودرزی، کیانی، ۱۳۸۶، ص ۲۰)

برخی از انواع کارشناسی‌های پزشکی قانونی

وسایل و آزمایشات بسیاری در پزشکی قانونی برای کشف جرم و شناخت مجرمان و دیگر اهداف مهم قضایی کاربرد دارد که در ادامه به طور مختصر به ویژگی‌های برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌نماییم.

آزمایش DNA

مهم‌ترین سؤالی که درباره DNA به ذهن می‌رسد این است که تا چه حد می‌توان به DNA در شناسایی افراد اطمینان نمود؟ در پاسخ باید گفت که DNA تمام انسان‌ها جز دو قلوهای همسان باهم فرق دارد. به عبارتی دیگر، احتمال این که دو انسان دارای DNA مشابه باشند، تقریباً محال است و همین شاخصه مهم DNA یعنی تنوع آن در افراد، آن را به ابزاری بسیار دقیق برای شناسایی افراد و به ویژه مجرمین تبدیل نموده است. (مؤذن زادگان و عظیمی فر، ۱۳۸۴، ص ۱۴۷)

علاوه بر این، پایداری و ثبات DNA در برابر تغییرات محیطی و حرارتی در مقایسه با روش‌های قبلی بسیار بالاست. ثبات DNA تا آنجایی است که حتی مدت‌ها پس از مرگ نیز می‌تواند مورد شناسایی قرار گیرد، که برای مثال می‌توان به DNA به دست آمده از مومیایی‌های مصری و یا ماموت‌های منقرض شده اشاره نمود. (صمدی، ۱۳۸۴، ص ۴۹) به طور عمده DNA برای اثبات مجرمیت یا عدم مجرمیت متهمان به کار می‌رود. همان‌طور که پیش از این بیان شد این روش به

سادگی امکان پذیر است زیرا DNA را می‌توان در مقدار اندکی خون خشک، بزاق، اسپرم، قطعات بسیار ریز پوست، ریشه مو و بسیاری موارد دیگر یافت. دقت آزمایش DNA برای تشخیص هویت آن قدر بالاست که در صورت انجام دقیق و علمی آن می‌توان نتایج بدست آمده را به صورت کاملاً قابل اعتمادی مورد استناد قرار داد. امروزه از آزمایش DNA برای شناسایی لکه‌ها و باقی مانده‌های بافت‌های آدمی مانند خون، بزاق، ترشح جنسی زنان و مردان (مثلاً در تجاوزات جنسی و جنایت‌ها و با کمک لکه‌های موجود در بدن قربانی یا اشیاء اطراف جسد) استفاده می‌شود. در صورت دستگیری متهم با مقایسه DNA به دست آمده از لکه و ترشحات بدن قربانی تجاوز و یا قتل، با DNA متهم و تطابق آن می‌توان مجرم را شناسایی کرد. همچنین می‌توان خون موجود بر روی اسلحه فرد مظنون را با نمونه خون قربانی مقایسه کرد یا تار موی پیدا شده در صحنه جرم را از جهت DNA تحت بررسی قرار داد. کاربرد بسیار مهم دیگر DNA در پزشکی قانونی برای بررسی رابطه خویشاوندی و نسبیت و ابوت است. (گودرزی، کیانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸)

آزمایشگاه آسیب شناسی

آسیب شناسی قانونی یعنی شناسایی و تفسیر بیماری‌ها و آسیب‌های بدن انسان، که اساس پزشکی قانونی است. و در آن اعضای مختلف اجساد از نظر وجود بیماری‌های داخلی و یا عوارض ناشی از سموم و یا ضربه و ... از نظر پاتولوژی مورد بررسی قرار می‌گیرد. (عابدی، ۱۳۸۸، ص ۳) تعیین علت و نحوه مرگ، تعیین زمان وقوع مرگ و ایجاد آسیب، مستند نمودن آسیب و جراحات، استنتاج در مورد نحوه ایجاد آسیب‌ها و جراحات، مستند نمودن وجود هر نوع بیماری طبیعی، تعیین یا رد هر عاملی که ممکن است منتهی به مرگ شده یا در

مرگ مشارکت داشته است و... این همه نمونه‌هایی است از فعالیت‌هایی که در آزمایشگاه آسیب شناسی قانونی انجام می‌شود. (عابدی، ۱۳۸۸، ص ۵)

آزمایشگاه سم شناسی

مسمومیت بنا به تعریف عبارتست از آسیب دیدگی بافت‌های بدن در اثر عوامل شیمیایی. هر ماده شیمیایی اگر به میزان کافی، برای ایجاد اثرات خطرناک و آزارنده به بافتی از بافت‌های بدن برسد، می‌تواند به عنوان سم عمل کند. (گودرزی، کیانی، ۱۳۸۰، ص ۳۵۰) در این آزمایشگاه، کلیه سموم و داروهای در دسترس، داروهای مختلف، سموم فراری از قبیل سموم دفع آفات، سیانور، استرگنین، منوکسید کربن و الکل با امکانات موجود بررسی می‌گردد. نمونه‌های ارسالی به این بخش شامل الف) نمونه‌های مربوط به اجساد، ب) خون و ادرار افراد زنده، ج) نمونه‌های مکشوفه از صحنه جرم و یا سایر موارد متفرقه از قبیل سرنگ و مواد نامشخص و داروهای نامعلوم و ... می‌باشد.

به طور مختصر از دیگر فعالیت‌هایی که در این آزمایشگاه انجام می‌گیرد به این موارد می‌توان اشاره کرد: اندازه‌گیری میزان و نوع و خلوص مواد مخدر در نمونه‌های ارسالی به آزمایشگاه به ازای هر نمونه، تعیین درصد الکل در نمونه‌های ارسالی و در هوای تنفسی فرد، آزمایش کامل سم شناسی از مواد خوراکی و غذایی، آزمایش مواد نامعلوم از نظر نوع و میزان مسمومیت، تعیین میزان منوکسید کربن در خون جسد، تعیین نوع دارو یا مواد مخدر در ادرار یا خون یا مایع زجاجیه چشم جسد و...^۲

ارزیابی کارشناسی پزشکی قانونی از منظر عقل و سنت

کارشناسی‌های پزشکی قانونی به عنوان یکی از مصادیق مهم ادله اثبات علمی جرایم، از منظر عقل و سنت نیز کاملاً قابل ارزیابی و البته مورد تأیید می‌باشد چرا که اولاً، از این امکانات ایجاد شده، به نفع متهم و اثبات بی‌گناهی او نیز بهره

برداری می‌شود، که امروزه تلاش در راستای رعایت بیشتر حقوقِ متهم، بخصوص تبرئه متهمان بی گناه، مورد اقبالِ حقوق بشر و سازمان‌های بین‌المللی مدافع آن است و قطعاً مورد تأکید و ترغیب دین مبین اسلام نیز می‌باشد، چنان که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که ایشان فرمودند: تا جایی که می‌توانید حدود را بر مسلمانان اجرا نکنید و اگر محملی برای رهایی آن‌ها یافتید ایشان را رها کنید، زیرا اگر امام در عفو خطا کند بسیار بهتر از آن است که در مجازات اشتباه کند.» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ه.ق، ج ۱۴، ص ۳۹۱)

ثانیاً، راه‌های علمی اثبات جرم مکمل سیستم اقتناع وجدان قاضی، که از بسیاری جهات مطلوب‌ترین سیستم تحصیل دلیل، بوده و تقریباً در همه کشورهای جهان حاکم است، می‌باشد نه نافی و جانشین آن. چرا که در سیستم مزبور، قاضی در اقتناع وجدان خود از هر طریق و راه ممکن، به جز طرقی که پاره‌ای از قانون گذاران استفاده از آن را ممنوع می‌دانند، نظیر استفاده از قیاس در حقوق اسلام، آزاد است و از جمله طرق ممکن، راه‌های علمی اثبات جرم و از آن جمله کارشناسی‌های پزشکی قانونی است که اغلب مفید اطمینان و در پاره‌ای موارد مفید علم و قطع است.

البته ضرورت استفاده از ادله اثبات ناشی از کارشناسی‌های پزشکی قانونی، علاوه بر این مواردی که بیان شد با دلایل عقلی دیگری نیز قابل ارزیابی می‌باشد که از جهت ضرورت حفظ اختصار در بیان این نوشتار، بدون توضیح و تفصیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

افول اعتبار ادله ظنی و سنتی در محاکم قضایی و توجه بیشتر محاکم به استفاده از راه‌های علمی اثبات جرم، تخصصی و فنی شدن ارتکاب بسیاری از جرایم و ضرورت تجهیز دستگاه قضایی به انواع شیوه‌های علمی اثبات جرم و از جمله استفاده از پیشرفت‌های چشم‌گیر علم پزشکی در جهت مبارزه با آن

جرایم، و نهایتاً کمک به رسالت دستگاه قضایی در جهت تحقق عدالت و احقاق حقوق مردم با استفاده از علوم پزشکی در راستای کشف جرم و دستگیری مجرمین.

اعتبار کارشناسی پزشکی قانونی در فقه امامیه

پیرامون بررسی اعتبار ادله اثبات علمی نوین در فقه امامیه، و به طور کلی پیرامون ماهیت ادله علمی، برخی از نویسندگان حقوقی ماهیت این ادله را از باب کارشناسی که در فقه با تعبیر رجوع به خبره مطرح گشته بررسی نموده‌اند و اعتبار کارشناسی را نیز مستقل از علم قاضی می‌دانند و از این باب به بررسی فقهی پیرامون این ادله پرداخته‌اند^۳ ولی بیشتر نویسندگان حقوقی‌ای که در این موضوع به اظهار نظر پرداخته‌اند و برخی از فقهای که پیرامون این ادله، مباحثی ارائه نموده‌اند، صرفاً در حد اشاره‌ای مختصر، این ادله را جزو امارات و قراین قضایی و مبادی ایجاد علم برای قاضی عنوان نموده‌اند ولی به تبیین و بحث مفصل پیرامون این ادله نپرداخته‌اند. ما در این نوشتار قصد داریم نظریه اخیر را به طور تفصیلی تبیین و اعتبار ادله اثبات ناشی از کارشناسی‌های پزشکی قانونی رادر پرتو علم قضایی بررسی نماییم. اما با توجه به این که در این میان، پیرامون مفهوم و حدود و ثغور علم قضایی نیز اختلاف نظرات هم بین فقها و هم بین حقوقدانان بسیار است لازم بود تا اشاره‌ای مختصر به این مباحث داشته باشیم.

مفهوم علم قضایی

از حیث لغوی، «علم» کلمه‌ای است عربی و مصدر به معنی دانش، اطلاع بر امر و یقین و معرفت می‌باشد. به لحاظ اصطلاحی، در نظام‌های دادرسی عرفی، علم قضایی که مترادف بانظام دلایل معنوی تلقی می‌شود، ناظر به حصول اطمینان و آرامش باطنی قضایی است در انتساب یا عدم انتساب بزه به متهم در پرونده مطروحه. (مؤذن زادگان، شماره ۲، ص ۱۷۸)

فقیه مشهور امامیه، مرحوم شیخ طوسی در کتاب «عده الاصول» برای تحقق علم عادی یا اطمینان، نشانه‌ای با نام «سکون نفس» یا «آرامش وجدن» یافته و می‌گوید «العلم ما اقتضی سکون النفس». (طوسی، ۱۴۱۷ه.ق، ج ۱، ص ۱۲) بدین ترتیب در حقوق مزبور نیز علم قاضی ناظر به قطع و یقین یا اطمینان و سکون نفس وی در انتساب بزه یا عدم انتساب آن به متهم است. (مؤذن زادگان، شماره ۲، ص ۱۷۹)

نقش اظهار نظر کارشناسی پزشکی قانونی در تأمین علم قاضی

پس از تبیین اینکه در بررسی ابتدایی مفهوم علم قاضی به این مطلب رسیدیم که منظور از علم قاضی، علم نوعی و عادی و یقین عرفی است در ادامه با تبیین نظرات مختلف فقها پیرامون حجیت و اعتبار علم قاضی بنا داریم اعتبار علم ناشی از ادله اثبات علمی همچون کارشناسی‌های پزشکی قانونی را طبق هر نظر، بیان نماییم.

علم قاضی همواره مورد توجه و بحث فقهای اسلام بوده و هنوز مباحثات در مورد آن پایان نیافته است. بیشتر فقهای متقدم در مذهب امامیه، علم قاضی را حجت دانسته‌اند. ولی برخی با اعتبار علم قاضی مخالفت کرده‌اند. بعضی نیز - به خصوص فقهای معاصر - بین علم ناشی از حس یا مبادی قریب به حس و علم حاصل از حدس، تفاوت گذارده‌اند. با این حال، گروه بسیاری تصریح کرده‌اند که علم قاضی از هر طریقی که حاصل شده باشد و منشأ آن هرچه که باشد، حجت است. عده‌ای هم به طور ویژه، علم حاصل از نظر اهل خبره را مورد توجه قرار داده و معتبر شناخته‌اند.

شیخ طوسی حاکم را مجاز دانسته است که به استناد علم خود، در تمام احکام، اعم از اموال و حدود و قصاص و غیر آن و اعم از اینکه از حقوق الله باشد یا از حقوق الناس، حکم صادر کند (طوسی، ۱۴۰۷، ص ۲۴۴-۲۴۳). فقهای قبل و بعد از شیخ طوسی نیز بر همین عقیده بوده‌اند و استناد قاضی به علم خود را جایز دانسته‌اند.

بدین ترتیب اختلاف نظر عمده‌ای در این خصوص وجود نداشته است (علم الهدی، ۱۴۱۵، ص ۴۸۶؛ حلی، بی تا، ص ۱۷۹؛ حلی، ۱۴۱۹، ص ۴۳۰؛ مکی، بی تا، ص ۷۷؛ عاملی، ۱۴۱۸، ص ۳۴۸).

در میان فقهای متأخر و معاصر، برخی به مخالفت با نظر مشهور برخاسته و حجیت علم قاضی را نپذیرفته‌اند. بعضی نیز دلایل کسانی را که علم قاضی را حجت دانسته‌اند، ذکر کرده‌اند، ولی دلالت آن‌ها را - غیر از اجماع - بر این که علم قاضی از طرق حکم و فصل خصومت بین دو طرف دعوی باشد، به گونه‌ای که شامل غیرمعصوم و تمام حقوق شود نپذیرفته‌اند و تأکید کرده‌اند که نهایت مطلبی که این ادله دلالت بر آن دارند، این است که قاضی مجاز نیست بر خلاف علم خود حکم صادر نماید (نجفی، ۱۳۶۲، ص ۸۸-۸۹؛ خوانساری، ۱۳۴۶، ص ۱۴-۱۵).

بعضی از فقها بین علم حسی و علم حدسی یا علم حسی و علم تعبدی قاضی فرق گذاشته‌اند و فقط علم حسی را معتبر شناخته‌اند (حائری، ۱۴۱۵، ص ۲۴۳؛ تبریزی، ۱۴۱۵، ص ۵۱۴).

برخی نیز علم قاضی را از جهت مبادی آن به سه قسم تقسیم کرده‌اند: علمی که مبادی آن حسی است، علمی که مبادی حدسی محض است. اینان علم قاضی را در دو صورت اول و دوم معتبر و در حالت سوم بی اعتبار دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ص ۱۶۶؛ سبحانی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۲).

گروهی از فقهای معاصر بر حجیت علم قاضی که از هر سبب حاصل شده باشد، تأکید کرده‌اند و فرقی بین حسی یا حدسی بودن سبب علم قائل نشده‌اند و علمی را که از مدارک، دلایل و قرائن موجود در پرونده یا قرائن خارجی حاصل شده باشد، معتبر شناخته‌اند (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹، ص ۳۲۴؛ موسوی اردبیلی، ۱۳۷۷، ص ۳۲۲ و ۳۲۶؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۷۶، ص ۵۱۶). همچنین بسیاری از فقها - در پاسخ به سؤالی در مورد اعتبار علم قاضی که از محتویات و قرائن موجود در پرونده یا نظریه پزشکی قانونی یا انگشت نگاری یا وجود عکس و فیلم از اشخاص در حین

ارتکاب جرم یا نوار ضبط شده از مکالمات افراد یا استفاده از روش‌های نوین در کشف جرم ناشی شده باشد- بر حجیت علم قاضی در همه موارد و عدم فرق بین اسباب علم تأکید کرده‌اند(ر.ک: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ص ۹-۱۰).

تعیین اینکه کدام یک از اقوال پنجگانه‌ای که در فقه امامیه مطرح گشته است، دارای دلایل قوی و منطبق با واقع است، کاری است بس دشوار و مطلبی است که قریب هزار سال در مورد آن توسط فقهای شیعه قلم فرسایی شده است و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نیز در مورد آن مقالات متعدد و رساله‌های دانشگاهی تدوین یافته است. از این رو، بحث از قوت و ضعف آراء و استدلال‌های آن در بخشی از یک مبحث این نوشتار کاری صواب نیست. لذا ما این بحث را در حوصله این مقاله نمی‌بینیم و افزون بر آن اعتبار ادله علمی اثبات جرم همچون کارشناسی پزشکی قانونی در پرتو علم قاضی مقتضی آن است که حجیت علم قاضی مفروض گرفته شود. در نتیجه ما نظر مشهور فقهای امامیه را مبنی بر حجیت علم قاضی هم در حقوق الله و هم در حقوق الناس به عنوان مبنای این بحث در نظر می‌گیریم و معتقدیم که بدون آن در عصر کنونی و زمان فعلی نمی‌توان با جرم و جنایات روز افزون مبارزه کرد و حقوق مردم را از مجرمان عمدتاً حرفه‌ای و آشنا به تکنیک روز و دستاوردهای علوم مختلف استیفا کرد. زیرا در سایه حجیت علم قاضی است که می‌توان از شیوه‌های جدید علوم جرم یابی و پلیس علمی و پزشکی قانونی استفاده کرد(میر محمد صادقی، ۱۳۸۵، ص ۲۸۴) و به تبع نظریه یاد شده، همانگونه که در گفتار پیشین دیدیم قانونگذار کشورمان نیز در قوانین مختلفی که ذکر شد و از جمله در قانون مجازات اسلامی، به صراحت در موادی مثل مواد ۱۰۵ و ۱۲۰ به حجیت علم قاضی اشاره نموده است.

لذا با توجه به دیدگاههایی که در فقه در خصوص اعتبار علم قاضی وجود داشته و دارد و بخشی از آن ذکر شد، می‌توان نتیجه گرفت که از نظر کسانی که

علم قاضی را به طور مطلق و در تمام احکام معتبر شناخته‌اند، علم قاضی اگر حاصل از نظر اهل خبره مثل کارشناس پزشکی قانونی باشد و در حد علم نوعی و یقین عرفی باشد، معتبر است. زیرا این گروه در خصوص مبنا و منشأ علم قاضی، قیدی و شرطی ذکر نکرده‌اند. وانگهی، اعتبار علم حاصل از نظر اهل خبره، از دیدگاه کسانی که علم حاصل از هر سببی را معتبر شناخته‌اند و هیچ خصوصیتی برای منشأ علم قائل نشده‌اند، اعم از اینکه از نوع علم شخصی باشد و یا ناشی از قرائن و محتویات پرونده، روشن تر است.

همچنین از نظر دسته‌ای که بین مبادی حسی یا قریب به حس و مبادی حدسی، تفکیک قائل شده‌اند، اعتبار علم حاصل از نظر اهل خبره، بستگی به چگونگی تفسیر ایشان از مبادی حسی یا قریب به حس و مبادی حدسی دارد. یکی از افراد این گروه، علم حاصل از اسبابی را که موجب ظن است و از مجموع آن‌ها یقین حاصل می‌شود- مانند جراحی که در بدن مقتول ایجاد شده و به شهادت اهل خبره محقق می‌شود که از نوع سلاحی است که نزد متهم به قتل یافت شده و مانند آثار و خراش‌های موجود در بدن نیست- از موارد علم حدسی دانسته‌اند و آن را در صورتی معتبر شمرده‌اند که قائل به اعتبار علم قاضی باشیم؛ از هر سببی که می‌خواهد حاصل شده باشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲، ص ۱۹۵). در عین حال، وی در جایی دیگر تأکید کرده است که یکی از ادله اثبات «علم قاضی است که از مجموع قرائن حسی یا قریب به حس حاصل می‌شود و دامنه وسیع و گسترده‌ای دارد که بسیاری از طرق کشف جرم در زمان ما را شامل می‌شود» و در پاسخ به سؤالی در مورد اعتبار اثر انگشت، آزمایش خون و طرق علمی و تجربی دیگر، اعلام کرده است: «هرگاه این امور سبب علم گردد، قاضی می‌تواند بر آن‌ها تکیه کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۱). در مقابل، فقیه دیگری، ضمن تفکیک قائل شدن بین علم ناشی از مبادی حسی یا قریب به حس و علم حاصل از مبادی

حدسی، تأکید کرده است: در محاکم عرفی جمع کردن قرائن و شواهد برای شناخت مدعی و منکر، کار رایجی است و چه بسا برای تحقیق در مورد قرائن و شواهد مذکور، مسأله را به کارشناسان محول می‌کنند، به عنوان مثال، قتل در منزل یا خیابان یا مغازه مقتول واقع شده و شخصی متهم به قتل است. در این خصوص، تحقیق درباره ارتباط بین مقتول و متهم به نحو دوستی یا دشمنی، مکان قتل و زمان وقوع آن، ابزاری که در محل به جا مانده، میزان قدرت متهم بر قتل و وضعیت روحی او به هنگام مواجه شدن با جسد مقتول و وجود انسجام یا تناقض در بازجویی‌ها و امور دیگر، حقیقت را آشکار می‌کند و قاضی را در پرتو نظریات کارشناسان به نتیجه قطعی - که هر کس پرونده را بررسی کند به آن می‌رسد - می‌رساند. پس این نوع از علم، علم حسی است؛ به معنای آن که مبادی آن حسی است. او در ادامه تأکید کرده است: در صورتی که بر این قرائن و شواهد و شهادت کارشناسانی که عدالت و صداقت آن‌ها محرز است، اعتماد نشود، فساد در زمین گسترده می‌شود و باب قضا در زمان بسته می‌شود. (سبحانی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۳-۲۲۴)

لذا به نظر می‌رسد گزارش ناشی از پزشکی قانونی معمولاً به گونه ایست که واقعه را برای قاضی مشهود سازد و حاکم به محتوای گزارش اطمینان و یقین عرفی حاصل می‌کند البته به شرطی که عدالت و صداقت کارشناس پزشکی قانونی محض باشد و قاضی شرع و معاونان آن نیز اهل معرفت باشند، و با وسایل و ابزار تشخیص جرم و چگونگی کاربرد آن آشنا باشند تا بتوانند به صحت و سقم تشخیص گزارش دهنده پی ببرند و گزارش نیز به گونه‌ای ارائه شود که برای قاضی که به مسائل کارشناسی آشنا است، روشن و واضح باشد و واقعه را برای او مشهود و مجسم نماید، به گونه‌ای که گویا خود او شاهد قضیه بوده است. البته نکته مهم دیگری که باید در این میان مورد توجه قرار گیرد این است که قطعاً

برخی از آزمایشات پزشکی قانونی طبق بررسی‌های علمی به عمل آمده از قطعیت بالایی برخوردار نیستند و نمی‌توانند به عنوان مبادی علم قاضی مورد توجه قرار گیرند. بلکه محل بحث ما، علم ناشی از آزمایشاتی است که از چنان دقت و قطعیتی برخوردارند که تأمین کننده علم قاضی در حد علم نوعی و یقین عرفی می‌باشد مثل علم ناشی از آزمایش دقیق DNA که از دقت و قطعیت بسیار بالایی برخوردار می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد در صورتی که قاضی در اثر دلایل به دست آمده یقین عرفی حاصل نماید، نظر گزارشگر و اهل خبره مثل نظر کارشناسی پزشکی قانونی می‌تواند مستند حکم قرار گیرد و دارای اعتبار می‌باشد.

قلمرو اعتبار ادله اثبات ناشی از اظهار نظر کارشناسی پزشکی قانونی

باتوجه به اینکه ادله علمی نوین اثبات جرم و از جمله ادله ناشی از آزمایشات پزشکی قانونی، اگر منجر به علم عادی و نوعی و یقین عرفی برای قاضی پرونده گردد، در پرتو علم قاضی که طبق نظر مشهور فقهای امامیه و برخی از نصوص قانونی، در حق الله و حق الناس حجت است، اعتبار دارد. ولی به نظر ما با توجه به تفاوت جرایم مستوجب حق الله با جرایم مستوجب حق الناس در احکام و آثاری که بر آنها بار است، این اعتبار قلمرو خاصی دارد که لازم است تبیین شود. که جهت بیان این تبیین لازم بود ادله اثبات را از منظر حق الله و حق الناس تبیین نموده و با جایگاه ادله در فقه امامیه بر مبنای حق الله و حق الناس آشنا گردیم تا بتوانیم به نحو احسن قلمرو ادله مذکور را تعیین نماییم. ما این موضوعات را در قسمت اول این مبحث بررسی کرده و سپس در قسمت دوم، قلمرو اعتبار ادله اثبات ناشی از اظهار نظر کارشناسی‌های پزشکی قانونی را با توجه به مطالب مطروحه در قسمت اول تبیین نموده‌ایم.

تفاوت جایگاه و ویژگی‌های ادله اثبات در حقوق الله و حقوق الناس

جایگاه ادله اثبات جرم در فقه امامیه بطور شفاف تبیین نشده است و تنها پاره‌ای از حقوق‌دانان به آن اشاره کرده‌اند. آن دسته از حقوق‌دانان نیز دچار اختلاف آراء گردیده‌اند و در مجموع سه نظر ابراز داشته‌اند:

حاکمیت سیستم اقناع وجدانی قاضی (آشوری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۴۱؛ آخوندی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۶۶؛ دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۲، ص ۸۲)

حاکمیت نظام ادله قانونی (شامبیاتی، ج ۱، ص ۴۸)

روش مختلط یعنی نسبت به حدود نظام ادله قانونی و نسبت به بقیه جرایم سیستم اقناع وجدان قاضی (گلدوزیان، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۸۲؛ آخوندی، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۶۰؛ عوده، ۱۴۰۲، ص ۱۷۷)

چنان که ملاحظه می‌شود دیدگاه‌های یاد شده به همه جرایم از نظر حق الله یا حق الناس بودن به یک شکل نگریسته‌اند که قابل انتقاد به نظر می‌رسد. (بیرق، ۱۳۸۴، ص ۱۲۴) لذا ضروری است جایگاه ادله در حقوق الله و حقوق الناس به تفکیک مشخص شود تا بتوانیم قلمرو اعتبار اظهار نظر کارشناسی پزشکی قانونی در این گونه جرایم را بهتر تبیین نماییم.

اسلام در حقوق الله اصل ستر و جرم پوشی و عدم مذاقه و مسامحه و تخفیف را در نظر دارد. تا جایی که یکی از نویسندگان عرب می‌نویسد: «اسلام به تمام معنی مشتاق است که هیچ حدی اقامه نشود مگر در جایی که به یقین، ارتکاب جرم ثابت می‌شود و این از سخت‌گیری اسلام در وسایل اثبات این گونه جرایم استفاده می‌شود، سپس بعد از این سخت‌گیری، حد با شبهه دفع می‌شود! همه این‌ها به خاطر این است که حدود اجرا نشود مگر در حالت استثنایی.» (الزحیلی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۷) توضیح بیشتر این که از توجه در آیات^۴، روایات^۵ و متون فقهی و در مجموع، مطالبی که در گفتارهای پیشین بیان شد، چنین برداشت می‌شود که شارع مقدس در بیان حقوق الله و شرایط آن بنا را بر تخفیف نهاده و مکلفین را در

شدت و حدت بسیار ننهاده است. از سویی اوامر و نواهی او در آنجا که متضمن بیان حقوق الله است بیانگر حساسیت شارع در حفظ و استقرار تعالیم و ارزشها است ولی از سوی دیگر در اجرای ضمانت اجراهای نقض این اوامر و نواهی تمام جوانب احتیاط را در نظر گرفته تا خون، حیثیت و آبروی انسانی از میان نرود و به عکس در حقوق الناس چون میدان حقوق افراد است به گونه‌ای دیگر برخورد کرده و دست افراد را در مطالبه حقوق خویش بازتر نهاده است.

اثبات نقض این اوامر و نواهی خصوصاً در حدود مقرر در شرع مقدس مستلزم ادله اثبات است، چرا که تا جرمی حادث نشود، اجرای حدود و مجازات متوقف است. بنابراین اهتمام شارع مقدس و به تبع آن مقنن ما در گستره ادله اثبات محل بحث ماست که نکات ذیل لازم به یادآوری است. همانگونه که می‌دانیم، حقوق کیفری جدید تحت تأثیر اندیشه‌ها و مکاتب جدید جرم‌شناسی و پس از آن گرایش سیاست جنایی، گام‌های مؤثر و مهمی را در تعدیل خود برداشته است. پذیرش جرم زدایی^۶ و کیفر زدایی^۷ از جمله این فرآیند است. این همه برای اظهار نگرانی از شدت بسیاری از مجازات‌ها و خشونت و توالی فاسد ناشی از آنها بوده است. گرچه در این فرآیند گام‌های مهمی به سوی نفی مطلق کیفر برداشته شده است و مکاتب مهمی پرچمدار چنین اندیشه‌هایی بوده‌اند ولی حقوق کیفری همچنان جز تعدیل، تغییر مهمی را نپذیرفته است.

حقوق اسلام از آغاز با یک توازن و تعدیل منطقی بنا نهاده شد که ضمن حفظ واکنش‌های سرکوب‌گر در متون فقهی و قانونی، با تمسک به تأسیسات و گریزگاه‌های گوناگون از اجرای آن دوری گزینند. از این روش در نصوص روایی به نام قاعده درأ- که در مقام کیفر زدایی است- یاد شده که امکان ترک مجازات را با روی آوری به نوسازگاری و نیز اصلاح مجرم از طریق تدابیر غیر حقوق کیفری و حتی غیر حقوقی فراهم می‌آورد. (محمودی جانکی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۳)

این تدبیر سنجیده و به غایت نیکو مستند به مدارک معتبر و متعددی است که از طریق خاصه و عامه وارد شده است. از جمله این که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «ادرتوا الحدود بالشبهات» (الحر العاملی، ۱۴۰۹هـ ج ۱۸، ص ۳۳۶) و در روایت دیگری آمده است که «ادرتوا الحدود عن المسلمین ما استطعتم فان کان له مخرج فخلوا سبيله فان الامام ان یخطی فی العفو خیر ان یخطی فی العقوبه». یعنی تا جایی که می‌توانید حدود را بر مسلمانان اجرا نکنید و اگر محملی برای رهایی آنها یافتید ایشان را رها کنید زیرا اگر امام در عفو خطا کند بسیار بهتر از آن است که در مجازات اشتباه کند» (شهید ثانی، ۱۴۱۳هـ ج ۱۴، ص ۳۹۱)

این مدارک در روایات نشان می‌دهد که اسلام بر کیفر تأکید فراوان نداشته، خصوصاً آن‌جا که به حقوق الله مرتبط است بلکه بر نقش اصلاح و تربیت و ستر گناهان تأکید ورزیده است. این دیدگاه موجب شده است که از طرفی به مجرد وقوع شبهه و تردید، حد را جاری نکنند و حتی اشخاص را از اقرار داوطلبانه باز دارند و از طرف دیگر به منظور اجرای مجازات، قویترین اسباب و دلایل را ضروری بدانند.

وجود شرایط سخت و موانع فراوان، در اجرای حد و کلاً حقوق الله همان‌گونه که بیان شد، نیازمند تأمل است. یکی از تدابیر سخت گیرانه اسلام در دوری گزیدن از اجرای حقوق الله از جمله حدود و تعزیراتی که جنبه حق الهی محض دارند، سخت گیری در مرحله اثبات جرم است. (محمودی جانکی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۴)

در واقع به نظر ما، اختلاف نظام ادله در حق الله در اسلام با نظام ادله قانونی در همین نکته نهفته است که ما قائلیم ادله اثبات جرم در جرایمی که جنبه خصوصی و حق الناسی ندارند اعم از حدود و مجازات‌های تعزیری، با توجه به جریان آیات، روایات و اصولی که عرض شد و اساساً با توجه به مذاق شارع مقدس اسلام، جنبه

«موضوعیت» دارد. بدین معنا که تعدی از ادله منصوص و استفاده از طرق دیگر جایز نیست یعنی اسلام در حقوق الله جرایمی را مستوجب مجازات می‌داند که از طرق خاص خود ثابت شده باشد نه از هر راهی و البته این به معنای منطبق بودن با نظام ادله قانونی نیست و فراهم شدن صوری ادله مورد نظر شارع نیز، همچون نظام ادله قانونی مستلزم محکومیت متهم نیست. به عبارت دیگر هر چند در فقه امامیه از جمله در حدود راه‌هایی به عنوان ادله اثبات دعوی همراه با یک سری شرایط از طرف شارع مقدس تعیین شده است ولی این بدان معنا نیست که قاضی با فراهم آمدن این ادله هرچند به شکل صوری و بدون رعایت طرق تحصیلی آن، مجبور باشد به مقتضای آن حکم کند، بلکه باید از صحت و درستی آن و قانونی بودن تحصیل آن مطمئن نیز باشد و علاوه بر آن به اقتناع وجدانی رسیده باشد. (بیرق، ۱۳۸۴، ص ۱۲۴)

و همچنین با توجه به مطالب ارائه شده در فوق، بخصوص اصل ستر و جرم پوشی به نظر می‌رسد که قاضی در حقوق الله مجاز به تفحص و تجسس نیست تا بدین وسیله جرمی را اثبات کند. به بیان دیگر قاضی در حقوق الله مکلف نیست، تتبع و خود را نسبت به وقوع جرم به علم برساند، علاوه بر اینکه این مطلب از عموم آیه نفی تجسس^۱ استفاده می‌شود، در متون فقهی نیز به قضات توصیه شده است که متهم را در حق الله ترغیب به عدم اقرار کرده و با توسل به شیوه‌های مختلف از اقرار وی ممانعت کنند.

چنان‌که خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جریان اقرار «ماعز» به زنا همین شیوه را در پیش گرفتند و بعد از مراسم اجرای حد، مردم را به استتار این گونه جرایم و توبه توصیه فرمودند. یا به عنوان مثال می‌توان به این روایت اشاره کرد که مردی آمد محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و عرض کرد یا رسول الله من

مرتکب جرم زنا شده‌ام و ادامه داد تا اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر این گناهت را می‌پوشاندی و سپس توبه می‌کردی، برایت بهتر بود.^۹ ولی در حقوق الناس همان‌گونه که بیان شد، قضیه بر عکس است، یعنی نه تنها قاضی منعی از تحقیق و تفحص ندارد بلکه اکیداً بدان توصیه شده است و تکلیف دارد در این قسمت احقاق حق کند.

اسلام در این نوع از پرونده‌ها، احکامی را جایز می‌داند که به هیچ وجه در حق الله جایز نبود؛ مثل امکان رسیدگی غیابی و امکان اثبات جرم با شهادت فرع و شهادت تبرعی و اینکه حتی یک بار اقرار را در سرقت برای رد مال کافی می‌داند و نیز در امر خطیر قتل آن را می‌پذیرد، از این رو دست قاضی در این گونه پرونده‌ها بر خلاف پرونده‌های حق الهی، بایستی در رسیدگی به این پرونده‌ها باز باشد و بتواند از هر راه ممکن به کشف واقع رسیده و احقاق حق کند. در این قبیل دعاوی قضات نه تنها به مسامحه و تخفیف و اهمال در رسیدگی توصیه نشده‌اند بلکه از آن منع شده‌اند و به دقت بیشتر و تلاش بی وقفه مکلف شده‌اند.

همه مواردی که به عنوان اختلافات احکام و آثار حق الله و حق الناس بیان شده، نشان می‌دهد که مقوله حق الناس از حقوق الله به کلی متمایز شده است و در آن اصول و قواعدی جریان دارد که در حقوق الله جریان ندارد. اگر شارع مقدس به حقوق الناس نسبت به حقوق الله اهتمام بیشتری دارد، باید این اهتمام مضاعف و توجه خاص نسبت به یکی از بخش‌های مهم دعاوی یعنی فرایند رسیدگی و ادله اثبات نیز سایه افکننده باشد. به بیان دیگر شارع مقدس بایستی سازوکارهای احقاق حق مردم را بیشتر از حقوق الله در اختیار قضات قرار داده باشد تا از این رهگذر هدف متعالی‌اش در احقاق حقوق مردم را بیشتر و بهتر تأمین کند.

به نظر ما اسلام این ابزار و سازوکار را به وسیله توصیه‌های خود به اعمال دقت فراوان در رسیدگی‌های حق الناس و احقاق حق مردم در اختیار قضات قرار

داده است. در نتیجه از این توجیه‌ها استفاده می‌شود که قضات مکلفند در راستای احقاق حقوق مردم از تمام ظرفیت‌های ممکن جهت رسیدن به علم استفاده کنند. از این رو ادله در حقوق‌الناس اعم از قصاص، دیات و تعزیرات حائز جنبه خصوصی نظیر اهانت و سب و ... جنبه طریقت دارد به این معنا که، برخلاف حدود و تعزیرات الهی، قاضی مجاز و بلکه مکلف به تحقیق و تفحص است و در این قبیل پرونده‌ها می‌تواند از همه راه‌ها و از جمله راه‌های علمی اثبات جرم استفاده کند تا به علم رسیده و حق ستم‌دیده‌ای از بین نرود، اما اگر از این تحقیق و تفحص به نتیجه نرسید «اصل احتیاط در دماء» و «اصل براءت» اقتضا می‌کند که قاضی در تبرئه متهم به خود تردید راه ندهد.

تبیین قلمرو اعتبار اظهار نظر کارشناسی پزشکی قانونی در اثبات انواع جرایم

با توجه به مجموع مطالبی که در قسمت قبل بیان کردیم، در این جا می‌توانیم قلمرو اعتبار ادله ناشی از کارشناسی‌های پزشکی قانونی را در انواع جرایم تبیین نماییم. در مبحث قبل ضمن پذیرش کلی نظر مشهور فقها دایر بر حجیت علم قاضی در حقوق الله و حقوق الناس، مشخص شد ادله اثبات علمی نوینی همچون کارشناسی‌های پزشکی قانونی می‌تواند به عنوان یک مبدأ ایجاد علم عادی و یقین عرفی برای قاضی، نقش بازی کند، فلذا استفاده از این ادله در پرتو علم قاضی از نظر فقه امامیه دارای اعتبار است. ولی به نظر می‌رسد این اعتبار با توجه به تعریفی که از علم قاضی به عمل آوردیم و ترادف معنایی آن با اقناع وجدان و با توجه به سیاست‌های کاملاً متمایز اسلام در جرایم دارای جنبه حق‌اللهی و جرایم دارای جنبه حق‌الناسی، قلمرو خاصی دارد که باید تبیین شود. که در این مبحث، در قالب چند بند سعی کرده‌ایم این مطالب را بیان نماییم.

تبیین اعتبار این ادله در جرایم دارای جنبه حق الهی

همان‌طور که در مبحث قبل به طور مفصل بررسی کردیم، اسلام در حقوق الله، اصل ستر و جرم‌پوشی و عدم مذاقه و مسامحه و تخفیف را نظر دارد و با توجه به استدلالاتی که در گفتار پنجم مبحث قبل مطرح گردید، به این نتیجه رسیدیم که ادله اثبات جرم در جرایم حق الله محض و جرائمی که جنبه حق خصوصی و حق الناس ندارد (اعم از حدود و مجازات‌های تعزیری) موضوعیت دارد. البته این موضوعیت داشتن بدین معناست که تعدی از ادله منصوص و استفاده از طرق دیگر جایز نیست. به بیان دیگر، اسلام در حقوق الله جرایمی را مستوجب مجازات می‌داند که از طرق خاص ثابت شده باشد و نه از هر راهی و از دیگر سو، فراهم شدن صوری ادله مورد نظر شارع همچون نظام ادله قانونی مستلزم محکومیت نیست. ممکن است این سؤال برای خواننده محترم ایجاد شود که با توجه به اینکه طبق نظر مشهور فقهای امامیه علم قاضی در حقوق الله و حقوق الناس حجت است و برخی از نصوص قانونی نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند، چگونه می‌توان این سخن را توجیه کرد که در حقوق الله تعدی از ادله منصوص و استفاده از طرق دیگر جایز نیست. در پاسخ باید گفت اگرچه علم قاضی مطلقاً در حق الله و حق الناس حجت است ولی با توجه به اینکه منظور از علم قاضی، علم به معنای اعم آن یعنی هم علم شخصی و هم علم ناشی از امارات و قرائن و محتویات پرونده و دلیل است و با توجه به سیاست‌های شارع مقدس اسلام در حقوق الله طبق بیانی که گذشت باید گفت علم قاضی در حقوق الله و به خصوص در حقوق الله محض، علمی خاص به معنای صرفاً همان اقتناع وجدانی است که قاضی باید از طریق ادله منصوص کسب کند. و با توجه به اصول ستر و تخفیف و عدم مذاقه و بر اساس عموم آیه نفی تجسس، در حقوق الله مجاز نیست خود را از هر راهی به علم برساند، چه آن که آن‌جا اگر خود متهم در صدد اقرار باشد، در حقوق الله به قاضی

توصیه شده است تا می‌تواند جلوی اقرار را بگیرد همان‌گونه که در قانون نیز تحقیق از جرائم منافی عفت که یکی از مصادیق بارزتر جرایم مستوجب حق الله بوده است، ممنوع است و لذا در اثبات جرایمی که مستوجب حق الله و به خصوص حق الله محض هستند مثل شرب خمر و زنا، نمی‌توان از کارشناسی‌های پزشکی قانونی استفاده کرد ولی چون به استناد قاعده درء، حدود و حقوق الله با عروض شبهه رفع می‌شود، می‌توان حقوق الله را با استفاده از راه‌های علمی و ایجاد شبهه رفع کرد.

تبیین اعتبار این ادله در جرایم دارای جنبه حق الناسی

همان‌گونه که پیش از این بیان شد، با توجه به عدم جریان اصولی همچون جرم پوشی و عدم اغماض در رسیدگی‌ها در حقوق الناس، دیگر همچون حقوق الله، قاضی در استناد به علمش - در صورتی که همه شرایط لازم را داشته باشد - با محدودیتی مواجه نبوده و به تمام معنی می‌توان گفت، ادله اثبات جرم همچون نظام اقناع وجدانی قاضی طریقت دارد. بدین معنا که قاضی اگر از راه‌های متعارف، به مجرمیت متهم علم پیدا کند می‌بایستی حکم محکومیت صادر کند و نمی‌تواند خود را در ادله منصوص، مقید و محصور سازد، لذا بایستی جهت احقاق حق از هر تحقیق مشروع و منطقی کوتاهی نکند زیرا در اسلام قاضی علاوه بر این که در حقوق الناس از تحصیل دلیل منع نشده است، می‌تواند از قراین موجود در هر دعوا استفاده کند و علمی که از این طریق بدست می‌آید به شرطی که در حد علم عادی و نوعی باشد - طبق نظر مشهور فقها که عرض شد - حجت است، و باید طبق آن حکم دهد و احقاق حق کند. شاهد این مطلب قضاوت‌های حضرت علی^{علیه‌السلام} در رسیدگی به جرایم حاوی حقوق مردم است که حضرت از قرائن مختلف استفاده می‌کردند نه لزوماً از اقرار و بینه.

لذا می‌توان از راه‌های علمی در جرائم مستلزم حقوق‌الناس استفاده کرد و از این طریق قاضی می‌تواند در صورتی که علم ناشی از آن ادله علمی، شرایط علم دارای اعتبار یعنی علم عادی و نوعی را داشته باشد به علم خود استناد کند و به استناد علمش حکم صادر کند. البته واضح است که همان‌گونه که بیان گشت شرایط جواز تمسک قاضی به علمش، از جمله متعارف بودن منشأ علم و بیان مستندات علم در حکم و ... نیز باید مراعات شده باشد.

اظهار نظر کارشناسی پزشکی قانونی در راستای تحصیل براءت

یک نگاه اجمالی به موازین بشردوستانه و معیارهای اصیل اسلامی و تأکیدات دین مبین اسلام و سیر قضائی رهبران دینی بالاخص سیره خود رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله و امیرالمؤمنین علیه السلام ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که دستگاه قضائی در اسلام می‌بایست در مورد جرایم مستلزم حقوق الله در درجه اول به فکر تبرئه و دفع مجازات از مسلمین باشد چه آن‌که تعبیه قواعد و اصولی همچون قاعده درء، اصل براءت و اصل جرم پوشی که هم ناظر به مراحل دستگیری و هم در مرحله قبل از اثبات جرم و هم در مرحله بعد از آن در برخی موارد می‌باشد، جز به خاطر دفع مجازات از مسلمین در این گونه جرایم نیست. از این رو دفع مجازات از مسلمین و سرپوش گذاشتن به لغزش‌های ایشان در این گونه جرایم، از جمله اهداف نظام کیفری اسلام است. در نتیجه در راستای رسیدن به هدف یاد شده باید از تمام ابزارها و ظرفیت‌های موجود استفاده کرد و یکی از این ابزارها دستاوردهای علوم و تکنولوژی و راه‌های علمی اثبات جرم و از جمله کارشناسی‌های پزشکی قانونی است. بنابراین راه‌های علمی همیشه در جهت اثبات جرم و محکومیت متهم و اعمال مجازات به کارگرفته نمی‌شود، بلکه در راستای تحصیل براءت و تبرئه متهمان نیز استفاده می‌شود که این امر علاوه بر آن که موجب کاهش اشتباهات قضائی و مانع مجازات شدن افراد بی‌گناه می‌گردد و از

نظر اسلام نیز مورد اقبال و توجیه شارع مقدس اسلام است. چنانچه از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌شود که فرمودند: «ادروا الحدود عن المسلمین ما استطعتم...» (شهید ثانی، ۱۴۱۳هـ ج ۱۴، ص ۳۹۱) این تعابیر نشان می‌دهد که اسلام نسبت به تبرئه شدن متهمان و به ویژه متهمان بی‌گناه چقدر حریص است و نسبت بدان هیچ شرطی را اعمال نمی‌کند. در نتیجه از هر راهی هر چند از طریق به کارگیری کارشناسی‌های پزشکی قانونی مفردی نسبت به پرهیز از اعمال مجازات حاصل شود باید به آن عمل و به این ترتیب مجازات را دفع کرد. به همین دلیل است که در لسان فقها و حقوق‌دانان اسلامی معروف است که حدود اسلامی به اندک شبهه‌ای رفع می‌گردد و در حصول شبهه طرق خاصی را شرط نمی‌دانند. چنانکه نقل شده، حضرت علی علیه السلام در جریان اتهام زنا به دختر باکره که شهود کافی با شرایط لازم بدان شهادت داده بودند، امر را جهت تحقیق بیشتر به زنان قابله محول فرمودند. زنان یاد شده، بعد از معاینات لازم ابراز داشتند دختر، باکره و مبراً از اتهام است و آن حضرت فرمودند: «من کسی را که از طرف خداوند مهر عفت دارد حد نمی‌زنم» (حر عاملی، ۱۴۰۳هـ ج ۱۸، ص ۲۶۱) با تأمل در روایت در می‌یابیم که اولاً در حصول شبهه منشأ خاصی شرط نیست و ثانیاً در موارد تقابل ادله سنتی اثبات جرم هرگاه راه‌های علمی و قراین و امارات بیانگر عدم ارتکاب جرم توسط متهم یا عدم انتساب جرم به وی باشد مقدم بر ادله سنتی اثبات جرم می‌شود به بیان دیگر هرچند در مبحث جایگاه ادله در فقه گفتیم که ادله در اثبات حقوق‌الله موضوعیت دارد و نمی‌توان آن‌ها را با بکارگیری راه‌های علمی اثبات جرم من جمله کارشناسی‌های پزشکی قانونی و قراین و امارات ثابت کرد، ولی در عین حال به کارگیری آن‌ها در دفع مجازات و تبرئه متهمان به ارتکاب جرایم مستوجب حقوق‌الله مجاز و در این راستا از حجیت لازم برخوردار است. بدین معنی که در حدود به خصوص در حقوق‌الله محض حتی اگر از طریق ادله

منصوص برای قاضی علم و اقتناع وجدان به مجرمیت متهم، حاصل گشت، راه‌های علمی اثبات جرم می‌تواند شبهه لازم را ایجاد و مجازات را از وی دفع کند. زیرا همان‌گونه که می‌دانیم منظور از علم قاضی، علمی نیست که نتوان خلاف آن را اثبات کرد، بلکه علمی است که به احتمال خلافش توجه نمی‌شود. لذا اگر با استفاده از ادله علمی، و از جمله اظهار نظر کارشناس پزشکی قانونی آن احتمال خلاف تقویت شود به قدری که قابل توجه گردد، با توجه به جریان قاعده در آن حقوق الله، بایستی بدان اعتنا نموده و مجازات حد را از وی دفع کرد.

نتیجه گیری

با توجه به اینکه یکی از ادله اثبات جرم که به نظر مشهور فقها در همه جرایم اعم از جرایم مستوجب حق الله و حق الناس حجیت دارد علم قاضی است و با توجه به تبیین صورت گرفته در این نوشتار که برای حجیت علم قاضی، علم ایجاد شده برای قاضی بایستی در حد علم نوعی و عادی باشد به این نتیجه رسیدیم که اگر قاضی از طریق کارشناسی‌های علمی و ادله اثبات علمی و از جمله اظهار نظر کارشناسی پزشکی قانونی به این حد از علم رسد، می‌تواند بر مبنای آن میزان از علم قضاوت نماید و به نظر می‌رسد از این جهت امکان استفاده از ادله اثبات علمی به طور عام و اظهار نظر کارشناسی پزشکی قانونی به طور خاص، به عنوان یکی از مبادی ایجاد علم برای قاضی در جهت اثبات جرایم از منظر فقه امامیه با مشکلی مواجه نیست. اما از دیگر سو با توجه به برخی سیاست‌های کیفری نظام حقوق کیفری اسلام در رابطه با جرایم مستوجب حق الله و حق الناس قلمروی برای اعتبار این نوع از ادله در انواع جرایم تبیین نموده‌ایم و به طور خاص در جرایم مستوجب حق الله به دلیل جریان برخی از این سیاست‌ها از جمله اصول ستر و جرم پوشی و عدم مذاقه قلمرو استفاده از ادله اثبات علمی جرم به خصوص در

جرائم مستوجب حق الله محض یعنی جرایمی که حق الناسی در آن ضایع نشده است و صرفاً حق الله یعنی نهی خداوند متعال در جهت عدم انجام آن جرم زیر پا گذارده شده است با محدودیت مواجه است بدین صورت که در جهت اثبات این گونه جرائم استفاده از این نوع ادله به عنوان مبادی علم قاضی ممکن نیست ولی با توجه به همین سیاست‌های نظام حقوق کیفری اسلام، امکان استناد به ادله اثبات علمی صرفاً در راستای برائت متهم امکان پذیر است که این امر از توجه در برخی آیات و روایات و همچنین برخی از قضاوت‌های امیرالمؤمنین (ع) هویدا می‌گردد.

پی نوشت‌ها

۱. در آیه ۲۸۲ سوره بقره، نیز به احتمال فراموشی شاهد اشاره شده است.
۲. قسمت اخیر از سایت به آدرس ذیل اقتباس شده است: [Http://Www.Pustorelab.Com](http://Www.Pustorelab.Com)
۳. از آن جمله می‌توان به نظرات نویسندگان زیر با آدرس مطروحه، اشاره کرد:
- حسن زاده، مهدی، کارشناسی؛ دلیلی مستقل از علم قاضی، مجله فقه و حقوق، شماره ۱۲
- تدین، عباس، جایگاه کارشناسی و ادله بیوژنتیکی در دادرسی‌های کیفری، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۸
۴. به عنوان مثال می‌توان از آیه ۱۹ سوره مبارکه نور نام برد.
۵. به عنوان مثال به این حدیث که در ص ۱۴۵ میزان الحکمه آمده می‌توان اشاره کرد: «من ستر اخاها فی فاحشه راها علیه ستره الله فی الدنيا و الاخره»
۶. جرم زدایی (Decriminalization): جرم زدایی یعنی سلب وصف مجرمانه از افعال یا ترک افعال. رک: آنسل، مارک، دفاع اجتماعی نوین، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، ص ۱۰۵
۷. کیفر زدایی (Depenalization): در کیفر زدایی قصد سلب کردن خاصیت جرم بودن عمل، وجود ندارد بلکه هدف آن است که اگرچنین تعبیری صحیح باشد آن را موزون سازیم؛ یعنی در اکثر موارد از شدت مجازات بکاهیم و یا خاصیت کیفری مجازات را سلب کنیم. کیفر زدایی به صور مختلف قانونی، قضایی و ناشی از مجنی علیه در جرایم قابل گذشت است. رک: آنسل، مارک، همان، صص ۱۰۵-۱۰۶
۸. آیه ۱۲ سوره مبارکه حجرات: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا...»
۹. وَ يَأْتِيهِمْ عَن عَلِيٍّ بْنِ إِدْرِيسٍ عَن مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَن يُونُسَ عَن أَبِي بَانَ عَن أَبِي الْعَبَّاسِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَنِّي النَّبِيُّ ص رَجُلٌ فَقَالَ إِنِّي زَيْتٌ إِلَى أَنْ قَالَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَوْ اسْتَقَرَّتْكُمْ تَابَ كَانَ خَيْرًا لَهُ (حرعاملی، ۱۴۰۹هـ.ق، ج ۲۸، ص ۳)

فهرست منابع

- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، ج ۵، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸
- آشوری، محمد، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۶
- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، ج ۲، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵
- بصیرپوربیرق، قدیر، اعتبار راههای علمی اثبات جرم از منظر فقه جزایی، قم: دانشگاه مفید، دانشکده حقوق، ۱۳۸۴
- تدین، عباس، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام، تهران: انتشارات ابن سینا، بی تا

- حائری، سید کاظم، القضاء فی الفقه الاسلامی، قم، مجمع الفکر الاسلامی، اول، ۱۴۱۵، حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ ه.ق. خوانساری، سید احمد، جامع المدارک، قم، مکتبه الصدوق، دوم، ج ۶، ۱۳۶۴ الزحیلی، وهبه، الفقه الاسلامی و ادلته، الجزء الرابع، دمشق: نشر دار الفکر، ۱۴۰۹ ه.ق. سبحانی، جعفر، نظام القضاء و الشهاده فی الشریعه الاسلامیه الغراء، مؤسسه الامام الصادق (ع)، اول، ج ۱، ۱۳۷۶
- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، بی جا، ۱۴۰۴ ه.ق.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، جامع الاحکام (استفتائات)، چاپ سپهر، اول، ۱۴۱۹ طوسی، محمد بن الحسن، الخلاف، جلد ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ ه.ق. طوسی، محمد بن الحسن، العده فی اصول الفقه، ج ۱، قم: انتشارات چاپخانه ستاره، ۱۴۱۷ ه.ق. عابدی، محمد حسن، آسیب شناسی قانونی، تهران: انتشارات سرای دانش، ۱۳۸۸
- عاملی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، جلد ۲ و ۳، قم: کتابفروشی داورى، ۱۴۱۰ ه.ق.
- عاملی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام فی تنقیح شرایع الاسلام، ج ۱۴، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۸ ه.ق.
- علم الهدی، سید مرتضی، الانتصار، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵
- عوده، عبدالقادر، التشریح الجنائی الاسلامی، ج ۱، تهران: مؤسسه بعثت، ۱۴۰۲ ه.ق. فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل (استفتائات) چاپ مهر، سوم، ج ۱، ۱۳۷۶
- گلدوزیان، ایرج، حقوق کیفری تطبیقی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۴
- گودرزی، فرامرز و کیانی، مهزاد، پزشکی قانونی، تهران: نشر سمت، ۱۳۸۶
- محقق حلّی، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، جلد ۴، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ه.ق.
- محمودی جانکی، فیروز، طریقت یا موضوعیت ادله اثبات دعوی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، ۱۳۷۶
- مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، مجموعه آرای فقهی - قضایی در امور کیفری
- مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات جدید، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام، دوم، ۱۳۸۰
- مکی، جمال الدین (شهید اول)، الدروس الشرعیه، مؤسسه نشر اسلامی، اول، ج ۲
- مکارم شیرازی، ناصر، بحوث فقهیه هامه، قم: انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۲ ه.ق.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم، استفتائات، انتشارات نجات، اول، ج ۱، ۱۳۷۷

مؤذن زادگان، حسنعلی، علم قاضی در حقوق جزای ایران، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲ (ازصفحه ۱۷۷ تا ۲۱۲)

میر محمد صادقی، حسین، جرایم علیه اموال و مالکیت، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵

نجابتی، مهدی، پلیس علمی (کشف علمی جرایم)، تهران: نشر سمت، ۱۳۸۴

نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد ۴۰ و ۴۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا

نوروزی، رحمت ا...، کارشناسی در امور کیفری، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۷۱

یادداشت شناسه مؤلف

مصطفی اربابی مجاز: دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و

تحقیقات، تهران، ایران

نشانی الکترونیکی: Mostafa.arbabi65@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۲/۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۲/۱۱